

تبیین مبانی انسان‌شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام

محمد شریف طاهرپور*
دکتر محمدرضا شرفی**
دکتر خسرو باقری***
دکتر جهانگیر مسعودی****

چکیده

هدف این پژوهش تبیین مبانی انسان‌شناختی اخلاق جنسی در اسلام، با روش توصیفی-تحلیلی است. از دیدگاه اسلام، انسان دارای غریزه صرف و حیوانی کامجو نیست تا همه چیز او را به کامجویی از غریزه جنسی و آزادی در ارضای آن فروبکاهیم، بلکه انسان در کنار غریزه جنسی که وجه مشترک انسان و حیوان است، از فطرت نیز برخوردار است. بنابراین، در انسان‌شناسی اسلامی، انسان دارای سه روح نباتی، حیوانی و فطری است. بر این اساس، مبانی انسان‌شناختی مؤثر در اخلاق جنسی عبارتند از: غریزه جنسی، فطرت الهی، کرامت، اندیشه‌ورزی، اصالت روح، قابلیت تکامل نفس، اختیار و انتخاب آگاهانه، حب ذات، چندساختی بودن انسان، هویت جمعی و ضعف. به این ترتیب، اخلاق جنسی نیز ریشه در روح فطری و انسانی انسان دارد و به تبع همین فطرت است که ما می‌توانیم از اصول و ارزش‌های اخلاقی همچون سرکوب نکردن غریزه جنسی، اعتدال، شکوفایی فطرت الهی، حفظ کرامت ذاتی انسان، حفظ کرامت انسانی زنان، عمل به فرامین الهی، مصونیت اخلاقی، کسب بینش صحیح، رعایت اعتدال، تکامل روحی و روانی، اصالت روابط عاطفی، ارتقای معنویت، رفتار جنسی مسئولانه، تدرج و تمکن، ازدواج آزادانه و آگاهانه، دگرخواهی، محبت، رشد متوازن و متعادل، تحکیم هویت جمعی، کنترل رفتار جنسی، به رسمیت شناختن هویت فردی، تخفیف حکم، مدارا و مسامحت صحبت کنیم.

واژه‌های کلیدی: مبانی انسان‌شناختی، اصول، اخلاق جنسی

Email: m.s.taherpour@gmail.com
Email: msharafi@ut.ac.ir
Email: khbagheri@ut.ac.ir
Email: masoudi-g @ferdowsi.um.ac.ir

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد
** عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
*** عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
**** عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۱۸ تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۲/۱۰

مقدمه

غریزه جنسی از غرایز بسیار مهم در وجود آدمی است و نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت انسان دارد. با توجه به نیرومندی این غریزه و نابهنجاری‌های مرتبط با آن، همچون دگرآزاری،^۱ آزاردوستی،^۲ خودنمایی^۳ و چشم‌چرانی^۴ (جونز ارنست، ۱۳۴۲، ص ۲۱۵)، در اثر آزادی و تحریکات بیش از حد و همچنین محرومیت‌ها و محدودیت‌های بیش از حد آن نتایجی مانند سست شدن بنیان خانواده، از بین رفتن نیروهای اجتماعی، تجاوزات جنسی و عدم امنیت برای کودکان، زنان و دختران و از بین رفتن کرامت و منزلت انسانی افراد جامعه به ویژه زنان پدید می‌آید. از این‌رو، در این مقاله بر آن شدیم که از دیدگاه اسلام به بررسی این مسئله بپردازیم. در واقع مسائلی که در اینجا مطرح می‌شوند عبارتند از اینکه: اسلام چه تصویری از انسان و غریزه جنسی ارائه می‌کند؟ مبانی انسان‌شناختی اسلام چه تأثیری بر اخلاق جنسی می‌گذارند؟ آیا بر غریزه جنسی از دیدگاه اسلام نیز اخلاقی مترتب است؟ اسلام با این امر چگونه برخورد می‌کند؟ و چه راه‌حلی برای ارائه می‌کند؟

اخلاق جنسی «قسمتی از اخلاق به معنای عام است که شامل آن عده از عادات و ملکات و روش‌های بشری است که با غریزه جنسی بستگی دارد» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۶۳۳). این بخش از اخلاق، به خاطر شور و التهاب و نیرومندی غریزه جنسی، همواره یکی از مهم‌ترین بخش‌های اخلاق به شمار رفته است. ویل دورانت در این باره می‌گوید: «سر و سامان بخشیدن به روابط جنسی همیشه مهم‌ترین وظیفه اخلاق به شمار می‌رفته است؛ زیرا غریزه تولید مثل نه تنها در حین ازدواج بلکه قبل و بعد از آن نیز مشکلاتی فراهم می‌آورد و در نتیجه شدت و حدت همین غریزه و نافرمان بودن آن نسبت به قانون و انحرافات که از جاده طبیعی پیدا می‌کند، بی‌نظمی و اغتشاش در سازمان‌های اجتماعی تولید می‌شود» (همان، ص ۶۳۳-۶۳۴). با توجه به این امر، دین اسلام تلاش کرده است با به رسمیت شناختن غریزه جنسی، و مبتنی کردن آموزه‌های اخلاق جنسی بر روح فطری و انسانی انسان، به این غریزه به نحوی معتدل سر و سامان ببخشد که نه آن را حذف و محو کند و نه آزاد بگذارد و به تحریک آن دامن بزند.

1. Sadism
2. Masochism
3. Exhibitionism
4. Inspections

اما حاکم شدن موج آزادی جنسی، ریشه در نوع نگاه به انسان دارد. اگر انسان را صرفاً موجودی احساسی، عاطفی، هیجانی و تحت تأثیر تمایلات فردی و عشق جنسی تعریف کنیم، مثل این است که ماهیت او را صرفاً به نفس اماره فرو بکاهیم. در این حالت، دوام و بقای زندگی به نفس اماره یا همان عشق پرشور جنسی وابسته می‌شود که از صلاحیت و شایستگی عقلی فارغ است. همان چیزی که انگلس^۱ بعد از الغای مالکیت خصوصی و انحلال کانون خانواده که مبتنی بر مالکیت خصوصی است به آن دعوت می‌کند. بر این اساس، دوام ازدواج صرفاً وابسته به تمایلات فردی و عشق جنسی است. انگلس در این باره بیان می‌دارد: «دوام میل عشق جنسی فردی، بر حسب فرد، به خصوص در میان مردان، بسیار متفاوت است؛ قطع مسلم علاقه، با جانشینی آن با یک عشق پرشور جدید، جدایی را هم برای طرفین و هم برای جامعه امری مبارک می‌سازد» (انگلس، ۱۳۵۷، ص ۱۱۷).

این نوع نگاه غریزی و کام‌جویانه نسبت به انسان، مختص به انگلس نیست بلکه فروید^۳ نیز چنین نگاهی دارد و در این رابطه می‌گوید: «انسان حیوانی است کام‌جو، همواره می‌کوشد تا کام‌های خود را به نحوی از انحاء خرسند سازد. همواره در پی ارضای میل و گرفتن کام است. کام‌جویی و اطفای شهوت نیاز بزرگ انسان‌ها است» (آریان‌پور، ۱۳۵۷، ص ۹۲). بر این اساس، صحبت کردن از خویش‌تن‌داری و عفاف و غیرت به عنوان ارزش‌هایی فطری و انسانی جایی نخواهد داشت. همچنان که راسل^۴ ضمن تأکید بر آزادی جنسی و اینکه تنها چیزی که آزادی را محدود می‌کند، آزادی دیگران است و بنابراین، زن و شوهر باید آزادی یکدیگر را رعایت کنند، بیان می‌دارد: «در سیستمی که من پیشنهاد می‌کنم مرد در حقیقت آزاد است، آزاد از محصور بودن امور جنسی وی در قلمرو زناشویی، ولی در مقابل وظیفه دارد احساس حسادت خود را کنترل کند» (راسل، ۱۳۵۲، ص ۲۷۸ - ۲۷۹). به این ترتیب، مرد نیز همان آزادی را که در حیطة زناشویی برای خود قائل است، برای همسر خود نیز باید قائل باشد و به همین دلیل باید حسادت خود را کنترل کند.

لازم به ذکر است که پژوهش حاضر از نوع بنیادی و کاربردی است. بنیادی از آن لحاظ که به استخراج و کشف مبانی انسان‌شناختی اخلاق جنسی می‌پردازد و کاربردی

1. Friedrich Engels

3. Sigmund Freud

4. Bertrand Russell

از آن لحاظ که با توجه به این مبانی، اصول و بایدهایی را در حیطة اخلاق جنسی مطرح می‌کند. برای این کار، ابتدا مبانی انسان‌شناختی اسلامی از متون دینی به ویژه قرآن کریم استخراج شد و سپس تأثیر این مبانی بر اخلاق جنسی بررسی و تجزیه و تحلیل شد.

پیشینه

بر اساس مطالعه‌ای که در بررسی پیشینه انجام شده است، سه رویکرد اصلی درباره اخلاق جنسی وجود دارد که عبارتند از:

الف) رویکرد مبتنی بر رهبانیت: اخلاق جنسی مبتنی بر رهبانیت ریشه در برخی آیین‌ها و مکاتب در اعصار گذشته دارد؛ از جمله می‌توان به آیین برهمنی^۱ (۸ تا ۹ ق.م)، آیین جینی^۲ (۶ ق.م) و آیین بودایی^۳ (۶ ق.م) در هند، آیین تائوئیسم^۴ (۵۱۷-۵۷۰ ق.م) چین، آیین مانی^۵ (۲۴۰ م) در ایران باستان، کلیون^۶ (۴۴۴ - ۶۰۰ ق.م) در یونان باستان، اسین^۷ (۲ ق.م) در میان یهودیان و مسیحیت در میان پیروان مسیح، اشاره کرد (قاسمی، ۱۳۷۳، ص ۲۶-۴۳). مبنای همه این آیین‌ها در اخلاق جنسی مبتنی بر پلیدی غریزه جنسی، ریاضت‌طلبی و رهبانیت، دوری از ازدواج و تشکیل خانواده، طرد تمتعات، لذایذ دنیوی و تحریم آگاهی‌های جنسی است. علت گرایش به رهبانیت، در تمایل بشر برای وصول به حقیقت، آمیخته بودن لذات مادی به پاره‌ای از رنج‌های معنوی، محرومیت و شکست در موفقیت‌های مادی به‌ویژه شکست در عشق، افراط در خوشگذرانی و کامجویی ریشه دارد (مطهری، ج ۱۹، ص ۳۹۸-۳۹۹).

ب) رویکرد لیبرال: رویکرد لیبرال به اخلاق جنسی، واکنشی در مقابل اخلاق جنسی مسیحی است. اصول اخلاق جنسی مسیحی عبارتند از: ۱. مجرد خوب است و باید با آن سازگار شد؛ ۲. به منظور خودداری از زنا، ازدواج مجاز است، ولی ازدواج کار تأسف‌برانگیزی است؛ ۳. ازدواج مانع رستگاری و نجات است و بر خلاف رضایت و خشنودی خداوند است (ریضوی،^۸ ۱۹۹۴). اخلاق جنسی مسیحی به علت مخالفت با

-
1. Brahmanism
 2. Jainism
 3. Buddhism
 4. Taoism
 5. Many
 6. Cynicism
 7. Essene
 8. Muhammad Rizvi

طبیعی‌ترین نیاز انسان رو به افول و نابودی رفت و در نهایت بعد از دو جنگ جهانی، اخلاق جنسی در غرب دچار تحول و دگرگونی اساسی شد که با عنوان «انقلاب جنسی»^۱ توصیف می‌شود. بر این اساس، غرب تلاش کرد اخلاق جنسی لیبرال^۲ را پایه‌ریزی کند که به عنوان اخلاق جنسی جدید^۳ شناخته شده است. از بنیان و متفکران متفکران این اخلاق جنسی می‌توان از مارکس^۴ (۱۸۱۸-۱۸۸۳)، انگلس (۱۸۲۰-۱۸۹۵) فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹) و راسل (۱۸۷۲-۱۹۷۰) نام برد. مبنای فکری این متفکران در اخلاق جنسی مبتنی بر مخالفت با رهبانیت، به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان یک نیاز طبیعی و به رسمیت شناختن آموزش جنسی است (راسل، ۱۳۵۲، ص ۱۳۸). البته اسلام، این مبانی را نیز به رسمیت می‌شناسد، اما در عین حال، ماهیت انسان را به غریزه حیوانی صرف، عشق پرشور جنسی، حیوانی کامجو و لذت‌طلب فرو نمی‌کاهد و آزادی انسان را صرفاً محدود به آزادی دیگران نمی‌کند، بلکه ارزش‌های فطری و الهی نیز آزادی انسان را محدود می‌کند.

ج) رویکرد اسلامی: امروزه غرب بعد از رویکرد اخلاق مسیحی که مبتنی بر رهبانیت و رویکرد لیبرال که مبتنی بر آزادی جنسی است، متوجه شده است که رابطه جنسی آزاد منجر به عدم ثبات ازدواج و از بین رفتن کانون خانواده می‌شود، بنابراین، به نوعی خواهان اخلاق جنسی مسئولانه است. اخلاق جنسی مسئولانه، امری است که در اسلام بیشتر قابل تحقق و پیگیری است؛ زیرا اسلام نسبت به اخلاق جنسی رویکردی اعتدالی، عبادی و مسئولانه دارد. این رویکرد در آراء متفکرانی همچون ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق)، غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق)، ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ ق)، و مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸) مشهود است.

برای نمونه، مطهری به نقد و بررسی رویکرد رهبانیت و رویکرد آزادی روابط جنسی و بیان موضع‌گیری اسلام در برابر آنها می‌پردازد. در مقابل رویکرد رهبانیت که مبتنی بر پلیدی غریزه جنسی است، منطق اسلام را بیان می‌کند که مبتنی بر عدم پلیدی غریزه جنسی و ارضای مشروع آن در چارچوب خانواده است. بعد از این به نقد مبانی رویکرد آزادی روابط جنسی می‌پردازد که به نظر ایشان عبارتند از:

1. Sexual revolution
2. Liberal sexual morality
3. New sexual morality
4. Karl Marx

۱. **آزادی در روابط زناشویی:** که مبتنی بر این عقیده است که آزادی را جز آزادی نمی‌تواند محدود کند. مطهری در نقد این مطلب بیان می‌کند که علاوه بر آزادی‌ها و حقوق دیگران، ارزش‌های عالی انسانی، اخلاقی و مصالح خود فرد نیز می‌تواند آزادی او را محدود کند.

۲. **پرورش همه استعدادهای درونی:** که مبتنی بر این عقیده است که شکوفایی استعدادهای فطری و طبیعی باعث نشاط، شادکامی، تعادل روحی و روانی فرد می‌شود، اما جلوگیری و تحت فشار قرار دادن آنها موجب هزاران ناراحتی می‌گردد. مطهری در نقد این مطلب بیان می‌کند که اسلام با رشد طبیعی استعدادها مخالف نیست، بلکه با آشفتنگی، بی‌نظمی و به اختلال کشاندن استعدادهای طبیعی انسان مخالف است.

۳. **عدم محدودیت غریزه جنسی:** مبتنی بر این ایده است که غریزه جنسی در اثر منع و محدودیت، شعله‌ورتر می‌شود و در اثر ارضاء و اشباع، فروکش می‌کند. بنابراین، برای انصراف بشر از توجه دائم به امور جنسی و جلوگیری از عوارض ناشی از آن، راه صحیح این است که هر گونه قید و ممنوعیتی را از جلوی پایش برداریم. مطهری در مقابل، به بیان این مطلب می‌پردازد که همچنان که محرومیت باعث ایجاد عقده‌های روانی می‌شود، آزادی بیش از اندازه نیز باعث اختلالات روانی و انحرافات جنسی می‌شود و با غرایز و تمایلات خود باید به مانند یک حکومت عادل و دموکرات برخورد کرد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۶۴۴-۶۵۱).

بعضی از متفکران خارجی از جمله علی اوصاف بیان می‌دارند اگر چه جنسیت و عمل جنسی همان چیزی است که در شرق، غرب، شمال و جنوب عالم است؛ اما بر طبق ساختار فرهنگی و اجتماعی غرب، روابط آزاد قبل از ازدواج و ... مناسب و اخلاقی است و در اسلام نیز بر طبق ادراک اجتماعی، ساختار فرهنگی و سایر فاکتورها، موارد مذکور در فرهنگ غرب، امری غیر اخلاقی و ناشایست است (اوصاف، ۲۰۰۱). محمد ریضوی بیان می‌دارد که یکی از مشکلات امروزی، فاصله افتادن بین سن بلوغ و ازدواج است که علت آن مشکلات مادی است. راه حل مشکل این است که والدین یا مؤسسات اسلامی، جوانان را برای ازدواج تا رسیدن به استقلال مالی حمایت کنند (ریضوی، ۱۹۹۴).

بررسی پیشینه

بر اساس آنچه در بررسی پیشینه مشخص شد، مطالعات صورت گرفته بیشتر ناظر بر نظر اسلام درباره غریزه جنسی، رعایت ارزش‌های الهی و نقد اخلاق جنسی کهن و

مدرن در غرب است و نه بررسی مبانی انسان‌شناختی و سپس بررسی تأثیر این مبانی در اخلاق جنسی.

تعریف مفاهیم

اخلاق جنسی^۱

اخلاق جنسی «قسمتی از اخلاق به معنی عام است که شامل آن عده از عادات و ملکات و روش‌های بشری است که با گریزه جنسی بستگی دارد» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۶۳۳). همچنین اخلاق جنسی «قواعد و هنجارهای تعیین‌کننده رفتار جنسی مورد پذیرش جامعه در زمان معین است، عدم رعایت این قواعد، غیر اخلاقی و یا حتی نابهنجار تلقی می‌شود» (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۵۶۷).

بنابراین، اخلاق جنسی اسلامی مبین حدود روابط بین جنس مخالف در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و دیگر روابط رسمی و غیررسمی منبث از مبانی نظری و عقلانی انسان‌شناختی اسلامی است.

مبانی انسان‌شناختی^۲

مبانی ناظر بر «مجموعه قانونمندی‌های شناخته‌شده در علوم نظری چون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که تعلیم و تربیت به آنها تکیه دارد» (باقری، ۱۳۸۱، ص ۶۴). همچنین مبانی ناظر بر «اوصاف وجودی انسان، جهان و آفریدگار انسان و جهان هستند که از متون اسلام استخراج و به یکی از دو شکل بسیط، یعنی مفاهیم، یا مرکب، یعنی گزاره‌های اخباری یا توصیفی بیان می‌شوند و شالوده استخراج و تدوین اهداف، اصول، برنامه‌ها و روش‌ها به شمار می‌آیند» (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۳۰). با توجه به آنچه بیان شد منظور از مبانی، مفاهیم یا گزاره‌های توصیفی است که بیان‌کننده دیدگاه اسلام در مورد انسان است که این ویژگی‌های انسان‌شناسانه بر اخلاق جنسی تأثیرگذارند.

اصول

بهشتی در تعریف اصول بیان می‌دارد: «اصول از دیدگاه اسلام مفاهیم یا گزاره‌های کلی انشایی یا بایدمحور مستخرج از متون اسلامی که معیار و راهنما و حاوی روش‌های تربیتی‌اند» (همان، ص ۳۵).

1. Sexual morality
2. Anthropology

با توجه به آنچه بیان شد، مقصود از اصول، گزاره‌های تجویزی باید محوری است که از مبانی انسان‌شناختی استنتاج می‌شود و معیار عمل است و تحقق این اصول در گرو قبول مبانی انسان‌شناختی اسلام است که ناظر بر واقعیت انسان است.

مبانی انسان‌شناسی اسلامی و تأثیر آن در اصول اخلاق جنسی

با توجه به مبانی نظری و عقلانی انسان‌شناسانه‌ای که از متون دینی، به ویژه قرآن کریم، استخراج شده است، به تبیین تأثیر این مبانی در اصول اخلاق جنسی می‌پردازیم که عبارتند از:

۱. غریزه جنسی

اسلام غریزه جنسی را به عنوان یکی از نیازهای انسان به رسمیت می‌شناسد و آن را «موهبتی الهی و امری طبیعی و فطری می‌داند و علاقه و تمایل باطنی زن و مرد به یکدیگر را امری پسندیده و نیکو می‌داند که هیچ زشتی و پلیدی ندارد» (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۹۳). این امر به خاطر این است که میان دستورات الهی و سرشت انسان نوعی هم‌آوایی، هماهنگی و توازن وجود دارد و اسلام یکایک قواعد خود را بر فطرت و سرشت تغییرناپذیر انسان بنا کرده است؛ بنابراین، هر نوع اخلاق جنسی که در صدد سرکوبی و تقبیح این گونه تمایلات در وجود آدمی باشد، بی‌تردید از نظر اسلام مطرود و مذموم خواهد بود. زیرا خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن انسان‌ها را به بهره‌گیری از لذت‌های مادی و نعمت‌های الهی دعوت نموده است. «و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن» (قصص، ۷۷).

تأثیر پذیرش غریزه جنسی در اخلاق جنسی

عدم سرکوبی غریزه جنسی: پذیرش غریزه جنسی به عنوان یک نیاز انسانی، منجر به عدم پذیرش سرکوبی غریزه جنسی می‌شود. سرکوبی غریزه جنسی مبتنی بر نادیده گرفتن این غریزه و مبارزه با آن است که خود این مبارزه به دلایل غیر معقول، همچون رسیدن به سعادت حقیقی، شناخت حقیقت، رهایی از رنج و عذاب در اخلاق جنسی کهن انجام می‌شده است.

اعتدال: پذیرش غریزه جنسی به عنوان یک نیاز انسانی که باید در سطحی اخلاقی و انسانی ارضاء شود، اخلاق جنسی معتدلی را پایه‌ریزی خواهد کرد. بر اساس رویکرد اعتدالی، ما غریزه جنسی را طرد نمی‌کنیم، ولی می‌کوشیم آن را تشدید نکنیم و به آن پر

و بال ندهیم. امام محمد غزالی در این باره می‌گوید: «بدان که اندر شهوت نیز افراط هست و تفریط و میانه؛ افراط آن بود که چنان شود از فواحش و کارهای زشت شرم نداشته باشد و همه چیز خود را برای آن بدهد و چون انسان به این حد رسید راه مقابله با آن روزه گرفتن است و اگر باز هم تمایل به انجام این کار داشت باید ازدواج کند و تفریط آن است که شهوت به کلی در کسی بروز نکند و این نقصان و ضعف را می‌رساند و اعتدال آن است که شهوت در کسی باشد، ولی اجازه طغیان نداشته باشد و تحت فرمان عقل باشد» (غزالی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۶۳).

۲. انسان مفطور به فطرت الهی

مفطور بودن به فطرت الهی، از یک جهت، به این معنا است که در انسان گرایش و معرفتی درونی نسبت به خداوند وجود دارد. در این باره، در آیه ۳۰ سوره روم به ماهیت فطرت الهی انسان اشاره شده: «تو ای رسول با پیروانت مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را آفریده پیروی کن». بنابراین، انسان بی‌رنگ نیست و رنگ ربوبی دارد و نگین جانش از پرتوی ربوبی رنگین است. به دلیل عمق نفوذ معرفت و میل ربوبی در انسان فرار از خدا فرار از خود است و حرکت به سوی خدا حرکت به سوی خویشتن حقیقی خود است (باقری، ۱۳۸۱، ص ۱۵). همچنان که در سوره بقره آیه ۱۳۸ آمده است: «رنگ‌آمیزی خدا راست که به ما رنگ ایمان و سیرت توحید بخشید و هیچ رنگی بهتر از ایمان به خدا نیست و ما بی‌شائبه او را پرستش می‌کنیم».

از سوی دیگر، فطرت ناظر بر ویژگی‌هایی است که بذر آنها در سرشت انسان وجود دارد. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «انسان نیز مانند سایر انواع مخلوقات مفطور به فطرتی است که او را به سوی تکمیل نواقص و رفع حوائجش هدایت نموده و به آنچه که نافع برای اوست و به آنچه که برایش ضرر دارد ملهم کرده.^۱ پس انسان دارای فطرتی خاص به خود است که او را به سنت خاص زندگی و راه معینی که منتهی به هدف و غایتی خاص می‌شود هدایت می‌کند، راهی که جز آن راه را نمی‌تواند پیش گیرد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۶۸). بنابراین، فضایل اخلاقی و سایر مبانی انسان‌شناختی که در این مقاله به تفکیک بررسی شده است، ریشه

۱. و قسم به نفس و آنکه او را نیکو بیافرید و به او شر و خیر را الهام کرد (سوره شمس، آیه ۷ و ۸).

در فطرت انسان دارند؛ زیرا فطرت ناظر بر «گونه خاصی از آفرینش است که خداوند در بدو خلقت به انسان‌ها داده، یعنی یک سلسله ویژگی‌های خاصی که انسان‌ها از همان ابتدای خلقت آن را دارند» (علمی، ۱۳۸۲، ص ۶۸).

تأثیر مفطور به فطرت الهی بودن انسان در اخلاق جنسی

شکوفایی فطرت الهی: اگر انسان نسبت به این امر آگاهی داشته باشد که میلی ربوبی در وجود او هست، انرژی روانی خود را به طور نامعقول صرف امور جنسی و کامیابی آن نخواهد کرد و تمایلات جنسی هسته محوری و طرحواره زیربنایی شخصیت او را پی‌ریزی نخواهد کرد که هدایت جنبه‌های دیگر او را به دست بگیرد؛ بلکه فرد به گونه‌ای به میل جنسی خود پاسخ خواهد داد که موجب خفتگی، استحاله و تغییر میل ربوبی و گرایش‌های متعالی انسان نشود.

۳. انسان موجودی است دارای کرامت

انسان دارای دو نوع کرامت است که عبارتند از:

الف) کرامت ذاتی: کرامتی است که از ناحیه خداوند نصیب انسان شده و ربطی به اراده و اختیار انسان ندارد و همه انسان‌ها از آن برخوردارند و از این ناحیه کسی بر دیگری برتری ندارد؛ همچنان که خداوند می‌فرماید: «ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم» (اسرا، ۷۰).

تأثیر کرامت ذاتی در اخلاق جنسی

حفظ کرامت ذاتی انسان: انسان به صرف انسان بودن کریم است و اخلاق جنسی آدمی نیز نباید موجب خدشه‌دار شدن کرامت ذاتی انسان شود؛ یعنی پاسخگویی به غریزه جنسی به هر طریقی و به هر شیوه‌ای که در تعارض با کرامت ذاتی انسان باشد، روا نیست.

حفظ کرامت انسانی زنان: کرامت ذاتی در رابطه بین زوجین به‌ویژه رفتار مردان با زنان مؤثر است، زنانی که در طول تاریخ نظام مردسالارانه به نحوی تحقیر شده‌اند و شخصیت انسانی آنها نادیده گرفته شده است. در دنیای مدرن نیز گرچه گرایش‌های فمینیستی مدعی احقاق حقوق زنان و تلاش برای از بین بردن تبعیضات اجتماعی و سیاسی آنان بوده‌اند، اما در این میان بعضی از آنها زن بودن زن و تفاوت‌های بین دو جنس را به فراموشی سپرده‌اند. در تقابل با چنین دیدگاهی، در اخلاق جنسی اسلامی، هم به شخصیت انسانی زن توجه شده است و هم به زن بودن زن و تفاوت‌های

طبیعی‌ای که با جنس مخالف دارد. بر این اساس، مردان و زنان از سلطه‌گری و سلطه‌پذیری منع می‌شوند، همچنان که در آیه ۲۷۹ سوره بقره آمده است: «نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود». زیرا لازمه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری انحراف از کرامت ذاتی از طریق شستشوی مغزی، تحمیق شعور و قدرت فکری افراد، القای ارزش‌های دروغین و شکستن حدود الهی است.

ب) کرامت اکتسابی: این کرامت برآیند تلاش و کوشش انسان در جهت قرب الهی و حاصل ایمان و عمل صالح است. در این حیطة نه همه انسان‌ها برتر از دیگر موجوداتند و نه همه آنها فروتر یا مساوی با دیگر موجودات هستند. اگر انسان از عقل و اندیشه خود استفاده نکند، در مسیر الهی گام بر ندارد و تنها در بعد مادی حیوانی و جسمانی خود پیش رود، فروتر از بسیاری از موجودات است؛ همچنان که در آیه ۵ سوره تین آمده است: «پس انسان را به پست‌ترین پست‌ها برگردانیم». اما اگر انسان در مسیر الهی گام بردارد و به مقام ولایت تکوینی و خلافت الهی برسد از همه موجودات برتر خواهد بود.

تأثیر کرامت اکتسابی در اخلاق جنسی

افزایش رضایت زناشویی: کسب فضایل اخلاقی و آراسته شدن به ویژگی‌های روحی و روانی مثبت، همچون احترام به احساسات یکدیگر و گوش سپردن دقیق و آگاهانه به آنها و ...، به ویژه بعد از زمانی که جذابیت‌های ظاهری و جنسی در زندگی مشترک فروکش کرده و وزن واقعی خود را پیدا کردند، جایگاهی کلیدی در زندگی مشترک و به دنبال آن افزایش رضایت زناشویی خواهند داشت.

عمل به فرامین الهی: لازمه به دست آوردن کرامت، عمل به فرامین الهی، پرهیز از ارضای غریزه جنسی خارج از محدوده شرع، فراهم کردن زمینه‌های عزت نفس و عزیز داشتن انسان است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه غریزه جنسی از جمله غرایزی است که در اثر طغیان و سرکشی، حصار تقوا و خویش‌داری را در می‌نوردد، پایه‌های آن را سست و لرزان می‌کند و کرامت انسانی را زایل می‌کند، باید زمینه‌های ارضای صحیح و مشروع این غریزه را مهیا کرد تا کرامت و عزت انسانی افراد حفظ شود.

مصونیت اخلاقی: یکی از راه‌هایی که انسان با آن می‌تواند از آلوده شدن به گناه مصون بماند، توجه به کرامت خود است. مسلماً هر کس برای خود شخصیتی قائل است و حاضر نیست به سادگی آن را از دست بدهد. دریافت این مسئله موجب

می‌شود انسان بدون تفکر دست به کاری نزند و اگر پیشامدی به شخصیت او آسیب رساند در صدد جبران برآید. از آیات قرآن و روایات این گونه استنباط می‌شود که اگر آدمی در درون خویشتن احساس کرامت کرد و آن را باور نمود، نوعی مصونیت اخلاقی در برابر معاصی خواهد یافت. در این باره می‌توان به آیه ۲۳ سوره یوسف اشاره کرد: «یوسف گفت پناه می‌برم به خدا، او صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته است». در اینجا حضرت یوسف با بازگشت به کرامت ذاتی خود و منبع آن کرامت، خود را از افتادن در دام گناه حفظ کرد.

۴. اندیشه‌ورزی

با توجه به اینکه آدمی همواره در حال شدن است، نیازمند تفکری بی‌وقفه برای انتخاب و عمل است. اما در کلام الهی هدف از دعوت به تفکر این است که ما به جنبه ملکوتی و ربانی هستی پی‌ببریم، به اصل ربوبیت برسیم و در هر پدیده‌ای خدا را ببینیم، این ذات و جوهره عقلانیت و اندیشه‌ورزی است. بهشتی در اهمیت عقلانیت بیان می‌دارد: «عقل شالوده انسانیت و برترین و شریف‌ترین امتیاز و شرط اساسی دینداری، سرمایه کمال، فضیلت و شرافت انسان است» (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۵۴) و اینکه اهمیت عقل چنان است که امام علی (ع) آن را پایه دین می‌داند و دین را نتیجه عقل می‌خواند. افزون بر این، در حوزه اخلاق نیز، صفات و ملکات حسنه اخلاقی را از ثمره‌های عقل معرفی کرده و فرموده است: صدق، ثمره عقل است؛ مدارا با مردم، ثمره عقل است؛ چون عقل کامل شود، شهوت کاستی گیرد و نفرت از دنیا و کوبیدن هواهای نفس، ثمره عقل است (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۸۳).

تأثیر اندیشه‌ورزی در اخلاق جنسی

کسب بینش صحیح: برای کسب بینش صحیح و عملکرد مناسب در اخلاق جنسی، نیاز است که فرد خود را به تزکیه همراه با تعلیم و تعلیم همراه تزکیه آراسته کند؛ زیرا همراه نشدن تزکیه با تعلیم، ما را در تعصب و جمود غیر عاقلانه و عدم انعطاف‌پذیری و عدم درک شرایط و موقعیت‌ها می‌اندازد و همراه نبودن تعلیم با تزکیه ما را در خودمحوری و به مرحله عمل نرساندن آموخته‌ها می‌اندازد. بنابراین، تزکیه نفس باعث می‌شود که تأثیر هیجانات منفی، حب و بغض‌ها و ... در کسب بینش و معرفت صحیح کاهش یابد و فرد بدون احساس فشار، به ضبط و کنترل حرکت فکر خود برای شناخت درست بر اساس ادله کافی بپردازد.

رعایت اعتدال: همه اعمال، احساسات و حتی توانایی‌هایمان بر اساس اندیشه و تفکر شکل می‌گیرد. هرچه تفکر انسان متعالی‌تر و با فطرت کمال‌جوی او بیشتر منطبق باشد، سریع‌تر راه تکامل را می‌پیماید. با توجه به این که عقل سلیم انسان را به سوی رعایت اعتدال فرا می‌خواند، از این‌رو، می‌توان گفت عقل یکی از عوامل مؤثر در تعدیل خواهش‌های نفسانی و رام کردن غرایز بشری است. خلاصه آنکه عقل راهنمایی است که پیروی از آن مایه فلاح و رستگاری بشر است. همچنان که حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید: «بس است تو را (سود بردن) از عقل و خرد که راه‌های گمراهیت را از راه‌های رستگاریت به تو آشکار می‌سازد» (فیض الاسلام، ۱۳۷۷، ص ۱۲۸۴). همچنین، بیان می‌دارد: «العقل عدو لذته؛ عاقل دشمن لذت خود است»، زیرا غلبه لذت‌ها سبب ارتکاب مناهی گردد. «الجاهل عبد شهوته؛ نادان بنده خواهش خود است» و اطاعت آن کند هر چند خلاف شرع و عقل باشد (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹، ص ۱۲۳). جان کلام این است که برای رسیدن به اعتدال، محتاج اندیشه و فکری عقیف، صادق و قابل اعتماد هستیم.

۵. اصالت نفس و روح انسان

انسان موجودی مرکب از نفس (روح) و بدن است و ویژگی‌های فراحوانی انسان مانند آگاهی و تعقل، گرایش‌های اخلاقی و اراده آزاد که انسان را از سایر جانداران متمایز می‌سازد، مربوط به نفس انسان است و اصل و حقیقت پایدار انسان و قوام انسانیت انسان نفس است (مصباح، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳). به طور کلی روح امری الهی، جاودانه، ساری و جاری در وجود انسان، در معرض فساد و صلاح است.

تأثیر اصالت روح در اخلاق جنسی

تکامل روحی و روانی: در نگاه دین، ارضای نیازهای فیزیولوژیک نفی نشده، بلکه مورد توصیه است؛ اما نکته اساسی، هدف واقع نشدن نیازهای فیزیولوژیک است؛ زیرا اسلام مخالف آن است که انسان یک شأن از شؤون خود را پررنگ کند و سایر شؤون خود را نادیده بگیرد، به همین دلیل بر ارضای نیازهای شؤون مختلف انسان در حد اعتدال تأکید می‌کند که پیامد این اعتدال، تکامل روحی و روانی است. دین در عین حال از اینکه این نیازها انسان را به فساد بکشند هشدار داده است و در این باره می‌توان به آیه ۶۶ سوره عنکبوت اشاره کرد: «(بگذار) آنچه را به آنها داده‌ایم انکار کنند و از لذات زودگذر زندگی بهره گیرند؛ اما به زودی خواهند فهمید». در این آیه خداوند

نسبت به افرادی که ارضای نیازهای اولیه را هدف خود قرار داده‌اند هشدار می‌دهد و بیان می‌دارد که آنان در سرای آخرت به این حقیقت خواهند رسید که حقیقت حیات را درک نکرده‌اند و راه را اشتباه رفته‌اند.

اصالت روابط عاطفی: غریزه جنسی در بعد روحی و روانی دارای خاصیت متعالی شدن است نه در بعد جسمی. همین باعث می‌شود غریزه جنسی از حالت صرف جنسی بالاتر رود و جنبه انسانی و الهی به خود گیرد. در این رابطه خداوند در آیه ۲۱ سوره روم، بر جنبه عاطفی و روحی-روانی تمایلات جنسی، وابستگی بین زوجین و نقش آن در سلامت روانی تأکید می‌کند: «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد». آرامش خاطر، محبت و رحمت، تمایل به تکمیل یکدیگر و ارضای نیازهای جسمی و روحی یکدیگر در فرایند زندگی مشترک، امری است که باید از آن محافظت کرد و آن را پرورش داد.

ارتقای معنویت: معنویت که روح حاکم بر تفکر الهی است، ناظر بر تمام جنبه‌های وجودی انسان است نه یک جنبه خاص و رویش معنویت در درون انسان مبتنی بر شناخت خداوند، انتخاب او به عنوان رب خویش، امتناع ورزیدن از ربوبیت غیر و عمل به دستورات الهی است. با توجه به اینکه معنویت، روح کلی زندگی یک انسان موحد را تشکیل می‌دهد، در آیات ۱ تا ۱۱ سوره مؤمنون شأن جنسی انسان و رفتار درست مربوط به آن در کنار امور عبادی، معنوی و انجام دیگر دستورات دینی مطرح شده است و این موارد را در کنار هم به عنوان عامل رستگاری انسان مطرح کرده است که به بیان آن می‌پردازیم: «آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند و آنها که زکات را انجام می‌دهند و آنها که دامن خود را (از بی‌عفتی) حفظ می‌کنند؛ تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند!».

۶. قابلیت تکامل نفس

نفس انسان در سه حالت وجودی می‌تواند قرار بگیرد که عبارتند از: **الف) حالت اماره:**^۱ در این حالت هوای نفس انسان که در ابتدا مفهومی خنثی و فاقد ارزش مثبت و

۱. استناد و ارجاع به نفس اماره دارد که از مفهوم آیه شریفه «وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» (یوسف، ۵۳) اخذ شده است.

منفی است به سوی لذتی کشش پیدا می‌کند و برای میل به آن از شکستن حدود دینی و عقلی پروایی ندارد؛ **ب) حالت لوّامه:** انسان پس از عمل به خواست نفس اماره و فرو افتادن از تب و تاب، کژی‌ها و ناراستی‌های کار خود را در وجدان اخلاقی خویش می‌یابد و خود را به خاطر پیروی از نفس اماره سرزنش می‌کند؛ **ج) حالت طمأنینه:** این حالت زمانی به نفس دست می‌دهد که در آستان ربوبی است، غرق توجه به اوست و به ذکر و یاد او مشغول است. هر کدام از این مراتب نفس بیشتر محقق شود و تکرار شود، از حالت گذار به شکل پایدار درمی‌آید و ملکه شخصیت وجودی انسان می‌شود (باقری، ۱۳۸۱، ص ۱۳-۱۴).

تأثیر قابلیت تکامل نفس در اخلاق جنسی

رفتار جنسی مسئولانه: اخلاق جنسی یک فرد در حالتی که نفس او در مرتبه اماره است، اخلاقی غیر مسئولانه، خشونت‌آمیز، هنجارشکنانه و پرخطر است؛ اما اخلاق جنسی وی در گذر از نفس اماره به وسیله نفس لوّامه و رسیدن به نفس مطمئنه، اخلاقی، انسانی، طبیعی، الهی و مسئولانه است که سلامت جنسی اجتماع و خانواده را در بر دارد.

تدرج و تمکن: تدرج ناظر بر مرحله به مرحله پیش رفتن نفس انسان به سوی کمال یا سقوط است. تمکن ناظر بر توانایی نفس انسان در کسب مراحل کمال یا سقوط و جاگیر شدن صفات مثبت یا منفی در نفس انسان است. دلشاد تهرانی در این باره بیان می‌دارد: «تدرج به معنای اندک اندک و آهسته آهسته پیش رفتن و پایه پایه نزدیک شدن است و تمکن به معنای جاگیر شدن، پابرجا شدن و نیز توانایی و قادر شدن بر چیزی است. هیچ انسانی جز بر اساس تمکن و توانایی‌اش و جز با حرکتی تدریجی و مناسب به کمالات الهی دست نمی‌یابد، همچنان که عکس این مطلب نیز صادق است و هیچ انسانی یک مرتبه و دفعتاً تباه نمی‌شود» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۷). بر این اساس، فردی که از نفس اماره‌اش در امور جنسی پیروی می‌کند، به تدریج از مرتبه انسانیت به مرتبه حیوانیت تنزل پیدا می‌کند؛ زیرا «عمل، انسان را به شکل خودش در می‌آورد» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۶۶۱). حال اگر بخواهیم، این فردی را که به مرتبه حیوانیت تنزل کرده و ماهیت نفس حیوانی در او تحقق پیدا کرده است به مرتبه نفس مطمئنه برگردانیم، باید با توجه به توانایی‌های وجودی‌اش و ویژگی‌های شخصیتی‌اش از جمله ضعف یا قوت اراده‌اش، او را به تدریج، به مرحله نفس مطمئنه بالا ببریم تا به کمالات اخلاقی دست پیدا کند.

۷. اختیار و انتخاب آگاهانه نفس

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نفس انسان اختیار و انتخاب آگاهانه نفس است. در این زمینه، «مشیت الهی مبتنی بر این است که انسان مقهور و مجبور نباشد، بلکه مختار باشد و آرایش نیروهای مؤثر بر آدمی در آیات قرآن به نحوی ترسیم شده است که هیچ یک از آنها با انسان رابطه جبری و قهری ندارند» (باقری، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

تأثیر اختیار و انتخاب آگاهانه نفس در اخلاق جنسی

ازدواج آزادانه و آگاهانه: ازدواج آزادانه و آگاهانه ازدواجی است که مبتنی بر تمایل و گرایش متقابل زوجین نسبت به یکدیگر، شناخت و خودآگاهی طرفین از خویشتن، کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های یکدیگر و بنا نهادن زندگی مشترک بر حداکثر شباهت‌های هسته‌ای در مقوله‌های متعدد زندگی و همچنین شناخت تفاوت‌ها، به رسمیت شناختن و احترام به آنها است.

۸. حب ذات

انسان به صرف توانایی و آگاهی، اقدام به عمل نخواهد کرد، بلکه در کنار اینها یک نوع گرایش درونی لازم است. منبع این گرایش درونی حب ذات است که ناظر به «تعلقی خاص و انجذابی است شعوری و مخصوص بین انسان و کمال او» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۱۹). حب ذات باعث می‌شود انسان آنچه را که باعث بقا و کمال وجودش می‌شود دوست داشته، به آن گرایش داشته باشد و برای به دست آوردن آن تلاش کند. در واقع حب بقاء و کمال انسان، هر دو مظهري از حب ذات و نتیجه میل و جوشش درونی نسبت به خود و کمالاتش است (مصباح، ۱۳۸۱، ص ۱۶۴).

تأثیر حب ذات در اخلاق جنسی

دگرخواهی: در صورتی که حب ذات از حالت بدوی و خودخواهانه خارج شود و وجود انسان گسترش پیدا کند و همچنان که خود را دوست دارد دیگران را نیز دوست داشته باشد و از خودخواهی به دگرخواهی روی آورد، باعث ایجاد یک عشق طبیعی می‌شود و مفاهیمی مانند صمیمیت، احترام متقابل، فداکاری و ایشار در اخلاق جنسی افراد رشد می‌کند. در این حالت دگرخواهی به معنای حب ذات عمیق است که انسانی‌تر و الهی‌تر شده است.

محبت: اساس زندگی خانوادگی بر محبت میان زوجین و دیگر اعضای خانواده استوار است. لازمه شکوفایی محبت، مودت و رحمت در زندگی مشترک، حرکت از

سطح نیازهای اولیه به سمت نیازهای عالی است و این متناسب با هدف تعلیم و تربیت اسلامی است که ساختن انسانی که «از سطوح پایین نیازها رها شده و به سطوح عالی نیازها دست یافته را مدنظر دارد. چنین فردی که به این سطح از تحول شخصیت می‌رسد، به جنس مخالف به مثابه یک انسان مکمل، یک روح تعالی‌بخش و آرامش‌بخش می‌نگرد. انسان هنگامی از سطوح پایین‌تر به سطوح عالی‌تر می‌رسد، همسر برای وی مایهٔ مودت و رحمت می‌شود و نگاه کردن و ارتباط با او، هم تکامل‌بخش و تعالی‌بخش انسان است». (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۳).

امام صادق (ع) دربارهٔ اهمیت محبت در زندگی مشترک می‌فرماید: «من اخلاق الانبیاء حب النساء؛ از اخلاق پیامبران دوست داشتن زنان است» (بهبودی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۵)؛ همچنین «کل من اشد لنا حبا اشد للنساء حبا؛ هر کس ما را بیشتر دوست بدارد، زنان را بیشتر دوست خواهد داشت» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۱۱). بنابراین، محبت و رحمت به عنوان زیربنای زندگی مشترک، انسان را از اضطراب و تندخویی و نیز کدورت و تنفر رهایی می‌بخشد و زندگی مشترک را قرین عشق و محبت خواهد کرد.

۹. چند ساحتی بودن انسان

از دیدگاه اسلام انسان موجودی تک‌ساحتی نیست، بلکه موجودی چند ساحتی است. البته تفکیک کردن ساحت‌های وجودی انسان روشی است برای اینکه ما آنها را به صورتی عمیق‌تر و دقیق‌تر بررسی کنیم و به اتخاذ رویکردهای تربیتی مناسب هر بعد از ابعاد وجودی انسان بپردازیم. البته این تفکیک نباید مانع از آن شود که ما ارتباط و تأثیر و تأثر ابعاد وجودی انسان را بر یکدیگر نادیده بگیریم و او را از یکپارچگی و کل بودن خارج کنیم.

تأثیر چند ساحتی بودن انسان در اخلاق جنسی

رشد متوازن و متعادل: بر این اساس انسان باید تلاش کند شأن جنسی خود را به عنوان یک ساحت وجودی بپذیرد و با آن برخوردی طبیعی داشته باشد، آن را پلید نشمارد و از طرف دیگر تمام انرژی روانی خود را روی مسائل جنسی متمرکز نکند؛ زیرا در این صورت سایر جنبه‌ها رشدی نامتوازن خواهند داشت. در این حالت انگیزهٔ جنسی محور قرار می‌گیرد و همه نیازها بر اساس آن تعریف می‌شود، مثل فروید که همهٔ ابعاد وجودی انسان اعم از فعالیت‌های علمی، معنوی و فرهنگی را بر اساس غریزه

جنسی تبیین می‌کرد و سایر انگیزه‌های روانی انسان را نادیده می‌گرفت. آریان‌پور در این باره بیان می‌دارد: «جنسیت فرویدی هم روابط جنسی و لذت جسمانی را می‌رساند و هم مبلّغ عواطف عالی و عشق لاهوتی و فعالیت‌های ناب روانی است» (آریان‌پور، ۱۳۵۷، ص ۹۱).

۱۰. هویت جمعی

شکل‌گیری هویت جمعی انسان بستگی به نوع روابطی دارد که با اطرافیان خود برقرار می‌کند. باقری در این رابطه بیان می‌دارد: «توصیف انسان در قرآن، صرفاً به منزلهٔ فرد، فردی بریده و مجزا انجام نپذیرفته، بلکه رابطه او با جمع و امتی که در آن زندگی می‌کند به منزله وجهی اساسی از هویت او در نظر گرفته شده است. از نظر قرآن، آدمی نسبت به جمعی که در میان آنان زندگی می‌کند، مضطر و بلاارده نیست، اما در عین حال، نظر بر این است که شکل‌گیری هویت او به نوع روابطی که با اطرافیان خود برقرار می‌کند، بستگی اساسی دارد» (باقری، ۱۳۸۱، ص ۲۶). از سوی دیگر، انسان در کنار این هویت جمعی، خود دارای هویت فردی نیز هست که او را از جمع متمایز می‌کند و به او فردیت می‌بخشد.

تأثیر هویت جمعی انسان در اخلاق جنسی

تحکیم هویت جمعی: اگر اخلاق جنسی ما درست باشد و منجر به پاسخگویی صحیح به غریزه جنسی در قالب ازدواج شود، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت ما خواهد داشت؛ زیرا ازدواج در راستای تشکیل هویت جمعی آدمی است. ازدواج در حقیقت به نوع دیگر پیوستن و یکی شدن در قلمروی روح و روان است. بدون زندگی زناشویی بخشی از فضاهای جمعی از اختیار انسان خارج می‌شود، مثل ارتباط و تعاملات بین دو جنس، خانواده‌ها و همچنین تجربهٔ پدر شدن و یا مادر شدن. از سوی دیگر، تحکیم هویت جمعی باعث تشکیل اجتماع بسامان و سالم می‌شود.

کنترل رفتار جنسی: از سوی دیگر، هویت جمعی به نحوی جلوی خشونت‌های جنسی را می‌گیرد؛ زیرا ما در صورتی دارای هویت جمعی خواهیم بود که به هنجارهای جمعی تن در دهیم. همچنین هر اجتماعی در مورد مسائل جنسی، هنجارها و قوانینی دارد که یک فرد اجتماعی شده در مسیر این هنجارها قدم خواهد برداشت؛ بنابراین، هویت جمعی باعث خواهد شد فرد با توجه به چارچوب اجتماعی، رفتار جنسی خود را تنظیم کند چون در غیر این صورت به وسیلهٔ اجتماع طرد خواهد شود.

به رسمیت شناختن هویت فردی: انسان در کنار هویت جمعی از یک هویت فردی نیز برخوردار است که باید آن را در زندگی مشترک به رسمیت شناخت؛ زیرا برای با هم زیستن لازم نیست که افراد کاملاً شبیه به هم باشند، بلکه لازم است در عین شکل‌گیری هویت ما، تفاوت‌های فردی نیز حفظ و به آنها احترام گذاشته شود و زندگی مشترک بستری برای شکوفایی استعداد‌های فردی طرفین شود.

۱۱. ضعف

انسان در ابعاد مختلف وجودی خود دچار ضعف، سستی و ناتوانی است، همچنان که خداوند بر این ضعف انسان تأکید می‌کند: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء، ۲۸). بنابراین، ضعف یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است و انسان را توانایی آن نیست که از این خصوصیت انسانی به طور کامل بگریزد. اما این بدان معنا نیست که انسان برای غلبه بر ضعف‌های اخلاقی، روحی و روانی و ... هیچ تلاشی انجام ندهد، بلکه انسان می‌تواند با کسب شایستگی‌ها و توانایی‌های لازم، کسب فضایل اخلاقی و روحی-روانی و بینشی درست به زندگی، بر بسیاری از ضعف‌های خود، به ویژه ضعف‌هایی که ما در موقعیت‌های مختلف زندگی و همچنین برای انجام تکالیف الهی در ابعاد مختلف از خود بروز می‌دهد، به طور نسبی غلبه کند. باقری در این باره بیان می‌دارد: «ضعف به عنوان یکی از ویژگی‌های عمومی انسان، بیشتر ضعف نفس است تا ضعف بدنی یا عقلی. به عبارت دیگر، انسان گاهی از قوت بدنی و عقلی برخوردار است اما دچار ضعف نفس است. این ضعف در مواردی آشکار می‌شود که فرد به رویارویی با تکالیف برخاسته است و در برابر قبول مسئولیت‌ها قرار گرفته است» (باقری، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱).

تأثیر ضعف در اخلاق جنسی

تخفیف حکم: ضعیف بودن انسان در برابر غریزه جنسی باعث شده است که خداوند در این باره بر انسان سهل و آسان بگیرد، همچنان که خداوند در سوره نساء آیه ۲۸ می‌فرماید: «خدا می‌خواهد (با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن)، کار را بر شما سبک کند؛ و انسان، ضعیف آفریده شده؛ (و در برابر طوفان غرایز، مقاومت او کم است)». علامه طباطبایی در باب ضعیف بودن انسان بیان می‌دارد: «خدای سبحان در انسان قوای شهویه را ترکیب کرده، قوایی که دائماً بر سر متعلقات خود با انسان ستیزه می‌کند و وادارش می‌سازد به اینکه آن متعلقات را مرتکب شود، خدای عزوجل بر او

منت نهاد و شهواتی را بر او حلال کرد، تا به این وسیله سوژه شهوتش را بشکند، نکاح را به مقداری که غائله عسر و حرج او را برطرف سازد تجویز کرده» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۴۹).

مدارا و مسامحت: با توجه به اینکه غریزه جنسی در اسلام باید در چارچوب خانواده ارضاء شود، روابط بین زوجین یکی از مقوله‌هایی است که باید مبتنی بر مدارا و مسامحت باشد؛ همچنان که در آیه ۱۴ سوره تغابن آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند، از آنها برحذر باشید؛ و اگر عفو کنید و چشم پوشید و ببخشید، (خدا شما را می‌بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است». درباره شأن نزول این آیه در روایتی از امام باقر (ع) بیان شده است: «وقتی بعضی از مردان می‌خواستند هجرت کنند، پسر و همسرش دامن او را گرفتند و می‌گفتند: تو را به خدا سوگند که هجرت نکن، زیرا اگر بروی ما بعد از تو بی‌سرپرست خواهیم شد، بعضی می‌پذیرفتند و می‌ماندند، آیه فوق نازل شد و آنها را از اطاعت فرزندان و زنان در این زمینه‌ها برحذر داشت، اما بعضی دیگر اعتنا نمی‌کردند و می‌رفتند ولی به خانواده خود می‌گفتند که خدا اگر با ما هجرت نکند و بعداً در (دارالهیجره) مدینه نزد ما آید ما مطلقاً به شما اعتنا نخواهیم کرد، ولی به آنها دستور داده شد که هر وقت خانواده آنها به آنها پیوستند گذشته را فراموش کنند و جمله «و ان تعفوا و تصفحوا و تغفروا فان الله غفور رحیم» ناظر به همین معنی است» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۶، ج ۲۴، ص ۲۰۳).

بحث و نتیجه‌گیری

اسلام برخلاف اخلاق جنسی کهن که غریزه جنسی را پلید می‌داند، بر عدم پلیدی غریزه جنسی و ارضای مشروع آن در چارچوب خانواده تأکید می‌کند. همچنین بر خلاف رویکرد لیبرال است که مبتنی بر مبانی اومانستی و سکولار به انسان، قوانین اجتماعی و اخلاق جنسی است که نوعاً به دلیل عدم وجود یک نگاه جامع‌نگر از منظر دین دچار خلل است. به این معنا که در اسلام، غریزه جنسی در ارتباط با ابعاد الهی و ارزش‌های اخلاقی دینی لحاظ شده و افزون بر رعایت حدود آزادی دیگران، گرایش‌های عالی دینی-انسانی و احکام الهی نیز آزادی انسان را محدود می‌کند. در ضمن، اخلاق جنسی اسلامی اخلاقی صرفاً مبتنی بر تمتع و کام‌گیری جنسی نیست؛ زیرا از نگاه اسلام، نیاز جنسی صرفاً نیاز فیزیولوژیکی نیست، بلکه نیازی عاطفی و

روانی است. بر این اساس چیزی که مایه سکون بین زوجین است همان مودت و رحمت الهی است که جاذبه‌ای معنوی میان زن و مرد ایجاد می‌کند و رابطه جنسی را الهی‌تر و انسانی‌تر می‌کند.

با توجه به آنچه بیان شد، اسلام با نگاهی جامع و کل‌گرایانه به انسان اصولی را در اخلاق جنسی پایه‌ریزی می‌کند که موجبات رشد و تعالی همه جانبه فرد و اجتماع را پدید می‌آورد. اگرچه امروز موانع و مشکلات متعددی همچون عدم استقلال مالی، گسترش روابط آزاد بین دختر و پسر، بالا رفتن سن ازدواج و ... باعث شده است که پایبندی به اخلاق جنسی تضعیف شود که لازمه خروج از این وضعیت، این است که در کنار آموزش اخلاق جنسی اسلامی، تمام نهادهای اجتماعی و فرهنگی برای کاهش مسائل و مشکلاتی که مانع ازدواج مناسب جوانان است، اقدام کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم

احمدی، علی اصغر (۱۳۷۴)، *آموزش جوانان در آستانه ازدواج*، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

انگلس، فردریش (۱۳۵۷)، *مالکیت خصوصی و دولت*، ترجمه مسعود احمدزاده، بی جا، بی نا. آریان پور، امیر حسین (۱۳۵۷)، *فرویدیسیم با اشاراتی به ادبیات و عرفان*، تهران: انتشارات ابن سینا.

باقری، خسرو (۱۳۸۱)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه. بهبودی، محمد باقر (۱۴۰۱ ه.ق)، *صحیح کافی، الجزء الثالث، اختاره من الكتاب بالكافی* الشيخ ابی جعفر محمد بن یعقوب الكلینی، بی جا: للطبعه و النشر و التوزیع الدار اسلامیه. بهشتی، سعید (۱۳۸۶)، *آیین خردورزی، پژوهشی در نظام تربیت عقلانی بر مبنای سخن امام علی (ع)*، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

_____ (۱۳۸۹)، *تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.

بهشتی، محمد (۱۳۸۵)، «تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی»، *تربیت اسلامی*، س ۲، ص ۸۹-۱۱۳.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۳۹)، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه محمد خوانساری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جونز، ارنست؛ یز، دالبی (۱۳۴۲)، *اصول روانکاوی*، ترجمه هاشم رضی، تهران: انتشارات کاوه.

الحر العاملی، محمد بن الحسین (۱۴۰۳ ه.ق)، *وسائل الشیعه، الجزء رابع عشر، کتاب النکاح*، تصحیه عبدالرحیم الربانی شیرازی، تهران: طبع فی المطبعة الاسلامیه.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۷)، *سیری در تربیت اسلامی*، تهران: نشر دریا.

راسل، برتراند (۱۳۵۲)، *زناشویی و اخلاق*، ترجمه مهدی افشار، تهران: انتشارات کاویان. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

علمی، قربان (۱۳۸۲)، مدخلی بر نظریه دینی مرتضی مطهری، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴، زمستان ۸۲، ص ۶۱-۷۳.

غزالی، ابو ابوحامد امام محمد (۱۳۶۱)، *کیمیای سعادت*، ج ۲، به کوشش حسن خدیو جم، تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.

فرمیپنی فراهانی، محسن (۱۳۷۸)، *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*، تهران: انتشارات اسرار دانش.
فیض الاسلام، سید علی نقی (۱۳۷۷)، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، تهران: انتشارات فقیه.
قاسمی، حمید محمد (۱۳۷۳)، *اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام*، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

مصباح، محمد تقی (۱۳۸۱)، *فلسفه اخلاق*، تهران: انتشارات اطلاعات.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار*، قم: انتشارات صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۶)، *تفسیر نمونه*، ج ۲۴، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

Ausaf, A. (2001). *Islam rethought: Gender, Sexuality, and Marriage in Islam*. Without place and Publisher.

Rizvi, S. M. (1994). *Marriage and morals in Islam*. Published by the Islamic Education & Information publication Centre, Canada.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی